فصلنامه علمي اقتصاد و بانكداري اسلامي، شماره پنجاه و ششم، پاييز ۱۴۰۵- صفحات ۱۱۰-۹۵

اثرات آستانه‌ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در کشورهای اسلامی منتخب؛ با تاکید بر پیامدهای حاکمیت

نوع مقاله: پژوهشی

سپیده احمدی[۱]
مرتضی عزتی[۲]
علی اکبر خسروی نژاد[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۲/۱۷

چکیده

کاهش فقر یکی از اهداف بنیادین سیاست‌های توسعه‌ای در سطح جهان است که همواره مورد توجه دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و پژوهشگران قرار گرفته است. بهبود وضعیت اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر مستلزم استفاده از ابزارهایی است که در میان آن‌ها، توسعه نظام مالی و افزایش دسترسی به تسهیلات بانکی نقشی کلیدی دارند. توسعه مالی از طریق تسهیل دسترسی به منابع مالی، تأمین سرمایه برای کسب‌وکارها و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد، می‌تواند منجر به ارتقای رفاه اقتصادی و در نهایت کاهش فقر شود. با این حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که اثرات توسعه مالی و تسهیلات بانکی بر کاهش فقر همواره خطی و یکنواخت نیست و دارای ویژگی‌های آستانه‌ای است؛ بدین معنا که تا پیش از رسیدن به سطح معینی از توسعه مالی، اثر معناداری بر کاهش فقر مشاهده نمی‌شود، اما پس از عبور از این آستانه، نتایج مثبت و پایدار نمایان می‌گردد. این پژوهش با هدف بررسی اثرات آستانه‌ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در ۱۲ کشور اسلامی منتخب طی دوره‌ی ۲۰۲۳-۱۹۹۶ و با تأکید بر نقش حاکمیت انجام شده است. روش تحقیق کاربردی و تجربی بوده و از مدل PSTR (رگرسیون انتقال ملایم پانلی) برای شناسایی روابط غیرخطی میان متغیرها استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که اثر تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر وابسته به سطح توسعه مالی است و در سطوح بالاتر، این اثر تقویت می‌شود. همچنین، کنترل فساد و کیفیت مقررات به‌عنوان عوامل حاکمیتی، نقش مؤثری در تسهیل این فرآیند دارند و متغیرهایی نظیر تحصیلات، فناوری نوین و ثبات اقتصادی نیز به‌عنوان عوامل مکمل در کاهش فقر عمل می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات بانکی، توسعه مالی، فقر، حاکمیت دولتی، کشورهای اسلامی
طبقه‌بندی JEL: C24، E52، G12

---

۱ دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران s.ahmadi9777@iau.ac.ir

۲ دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mezzati@modares.ac.ir

۳ دانشیار، گروه اقتصاد واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Ali.khosravinejad@iau.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

مقدمه

توسعه مالی به فرآیند گسترش و بهبود نهادها، ساختارها و بازارهای مالی اطلاق می‌شود که با هدف افزایش دسترسی افراد و بنگاه‌ها به خدمات مالی متنوع، کارآمد و پایدار انجام می‌گیرد. این فرآیند از طریق تخصیص بهینه منابع، کاهش هزینه‌های تراکنش، مدیریت ریسک و افزایش شفافیت، نقش مهمی در ارتقای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایفا می‌کند و از منظر اجتماعی نیز می‌تواند با تسهیل دسترسی اقشار کم‌درآمد به خدمات مالی، به کاهش فقر و نابرابری و توسعه پایدار منجر شود (هواس بیگی و مریدیان، ۱۴۰۳). فقر همچنان یکی از چالش‌های اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه است و کاهش آن علاوه بر ارتقای رفاه خانوارها، بستر لازم برای توسعه پایدار را فراهم می‌سازد. در این میان، توسعه مالی و تسهیلات بانکی به‌عنوان ابزارهای مهم سیاست‌های ضد فقر شناخته می‌شوند، زیرا می‌توانند از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی، سطح درآمد و رفاه اقشار آسیب‌پذیر را بهبود بخشند (صبوری و همکاران، ۱۴۰۲). با این حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که اثر توسعه مالی و تسهیلات پرداختی بر کاهش فقر همواره خطی و یکنواخت نیست، بلکه ماهیتی غیرخطی و آستانه‌ای دارد؛ به‌گونه‌ای که در سطوح پایین توسعه مالی، به دلیل ضعف نهادی، هزینه‌های بالای دسترسی به اعتبار و محدودیت‌های سیاستی، اثر معناداری بر کاهش فقر مشاهده نمی‌شود و حتی ممکن است منابع عمدتاً به گروه‌های برخوردار تخصیص یابد. تنها پس از عبور توسعه مالی از سطحی مشخص است که تسهیلات بانکی می‌تواند فرصت‌های واقعی اقتصادی ایجاد کرده و نقش مؤثری در کاهش فقر ایفا کند (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰؛ اسدی و قادری، ۱۴۰۲). یکی از عوامل کلیدی در تبیین این اثرات آستانه‌ای، ریسک اعتباری و هزینه‌های تراکنش است؛ به‌طوری‌که در نظام‌های مالی کمتر توسعه‌یافته، بانک‌ها تمایل کمتری به اعطای اعتبار به خانوارهای کم‌درآمد و بنگاه‌های کوچک دارند، در حالی که با بهبود توسعه مالی و گسترش خدمات متنوع و مقرون‌به‌صرفه، این محدودیت‌ها کاهش یافته و اثربخشی تسهیلات بانکی تقویت می‌شود (حسینی و نیکنام، ۱۴۰۳). افزون بر این، توسعه مالی صرفاً به افزایش حجم تسهیلات محدود نبوده و ارتقای کیفیت و تنوع خدمات مالی، توسعه بازارهای سرمایه، بیمه‌ها و نوآوری‌های مالی را نیز در بر می‌گیرد که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش فقر کمک کند (سید مسیح مولانا و همکاران، ۱۳۹۹). در کنار توسعه مالی، کیفیت حاکمیت نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان اثرگذاری تسهیلات بانکی بر کاهش فقر دارد. حاکمیت کارآمد از طریق شفافیت، پاسخگویی، کنترل فساد و بهبود کیفیت مقررات، تخصیص بهینه منابع مالی را تسهیل کرده و اعتماد عمومی به نهادهای مالی را افزایش می‌دهد، در حالی که ضعف حاکمیت می‌تواند اثرات فقرزدایی توسعه مالی را تضعیف کند (سیکاوال، ۲۰۲۴؛ فو و لیو، ۲۰۲۳). مطالعات بین‌المللی نیز نشان می‌دهد کشورهایی با حاکمیت قوی‌تر، توانسته‌اند از توسعه مالی برای ایجاد اشتغال و کاهش فقر به‌طور مؤثرتری بهره ببرند (راجپوت و همکاران، ۲۰۲۳؛ وو، ۲۰۲۵). با توجه به ماهیت پیچیده و غیرخطی روابط میان توسعه مالی، تسهیلات بانکی، حاکمیت و فقر، استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی غیرخطی و آستانه‌ای برای تحلیل دقیق این روابط ضروری است. بر این اساس، پژوهش حاضر با تأکید بر اثرات آستانه‌ای توسعه مالی و تسهیلات بانکی و نقش کیفیت حاکمیت در کاهش فقر طراحی شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

۱. پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

مطالعات خارجی نشان می‌دهند که توسعه مالی، کیفیت نهادی و حکمرانی نقش مهمی در عملکرد اقتصادی، بازار کار و توزیع درآمد ایفا می‌کنند، اما اثرگذاری آن‌ها وابسته به سطح توسعه کشورها و ساختار نهادی است. عامر و همکاران (۲۰۲۵) با استفاده از روش CS-ARDL و تحلیل مقایسه‌ای کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه نشان می‌دهند که توسعه مالی و کیفیت نهادی در کشورهای درحال‌توسعه موجب تقویت رشد اقتصادی می‌شود، در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته می‌تواند به گسترش اقتصاد زیرزمینی منجر گردد. نتایج این مطالعه بر اهمیت هم‌افزایی میان توسعه مالی، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی تأکید دارد. تورنتون و همکاران (۲۰۲٤) با بهره‌گیری از روش غیرخطی GMM و رویکرد آستانه‌ای، رابطه توسعه مالی و نابرابری درآمد را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که اثر توسعه مالی در دو سوی حد بهینه معنادار بوده و هزینه‌های ناشی از توسعه‌نیافتگی مالی بیش از هزینه‌های توسعه بیش‌ازحد آن است. در حوزه حکمرانی، نوگنو (۲۰۲۳) با بررسی ۵۴ کشور آفریقایی نشان می‌دهد که حکمرانی مطلوب اثر منفی و معناداری بر نرخ بیکاری دارد، در حالی که افزایش فساد موجب تشدید بیکاری می‌شود. یودین و رحمان (۲۰۲۳) نیز در مطالعه‌ای بر ۷۹ کشور درحال‌توسعه، تأثیر منفی حکمرانی مطلوب بر بیکاری و اثر مثبت آن بر رشد اقتصادی را تأیید می‌کنند. همچنین روناقی و سکورسون (۲۰۲۳) با بررسی ایالت‌های آمریکا نشان می‌دهند که بهبود حکمرانی موجب کاهش هم‌زمان بیکاری و فقر می‌شود. این مطالعات بر نقش تعیین‌کننده کیفیت حکمرانی در بهبود نتایج اقتصادی و اجتماعی تأکید دارند.

پیشینه داخلی

در مطالعات داخلی، توجه ویژه‌ای به نقش حکمرانی، سیاست‌های پولی و اعتباری و تسهیلات بانکی در بیکاری، فقر و نابرابری درآمد شده است. عمرسعید و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از رگرسیون کوانتایل نشان می‌دهند که حکمرانی مطلوب در تمامی دهک‌های نرخ بیکاری ایران اثر منفی و معنادار دارد. همچنین تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب کاهش بیکاری شده‌اند، در حالی که اثر تورم و نرخ ارز حقیقی بسته به دهک متفاوت است. صبوری و همکاران (۱۴۰۲) با استفاده از مدل ARDL نشان می‌دهند که سیاست پولی بهینه نقش معناداری در تعدیل نقدینگی و بهبود توزیع درآمد دارد. رضازاده و همکاران (۱۴۰۲) نیز با بهره‌گیری از الگوی VECM تأیید می‌کنند که افزایش تسهیلات قرض‌الحسنه اثر منفی و معناداری بر فقر در ایران داشته و می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در سیاست‌های فقرزدایی مورد استفاده قرار گیرد. مطالعات استانی نشان می‌دهد که آثار تسهیلات و سپرده‌های بانکی بر فقر و نابرابری درآمد همواره مطلوب نبوده است. علوی‌راد و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از رگرسیون کوانتایل نشان می‌دهند که مانده تسهیلات و سپرده‌های بانکی در استان‌های ایران اثر مثبت و معناداری بر فقر و نابرابری درآمد داشته است. این نتایج بیانگر تخصیص ناکارآمد منابع اعتباری در برخی مناطق است. فخاریان و همکاران (۱۴۰۱) اثر مداخله اعتباری دولت از طریق بانک‌های تخصصی را بررسی کرده و نشان می‌دهند که تسهیلات این بانک‌ها اثر مثبت و معناداری بر رشد بخش‌های صنعت، کشاورزی و ساختمان داشته است، هرچند ماهیت دولتی بانک‌ها موجب کاهش کارایی این اثرات شده است. گودرزی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

خلیلی (۱۴۰۱) نیز با استفاده از رویکرد پنل VAR نشان می‌دهند که اعتبارات بودجه‌ای دولت اثر مثبتی بر رشد اقتصادی استان‌ها دارد، اما هم‌زمان موجب بدتر شدن توزیع درآمد می‌شود؛ در حالی که سیاست پولی اثر قوی‌تری نسبت به سیاست مالی داشته است. در مجموع، پیشینه نظری و تجربی نشان می‌دهد که توسعه مالی، تسهیلات بانکی و کیفیت حکمرانی اثرات مهم اما ناهمگن و غیرخطی بر فقر، بیکاری، رشد اقتصادی و توزیع درآمد دارند. نتایج متناقض برخی مطالعات داخلی و خارجی بر ضرورت توجه به اثر آستانه‌ای توسعه مالی و نقش میانجی کیفیت حکمرانی تأکید می‌کند؛ خلأیی که پژوهش حاضر با تمرکز بر کشورهای اسلامی منتخب و استفاده از رویکردهای غیرخطی در پی پر کردن آن است. اصل محمدیان قابلو همکاران (۱۴۰۳) به بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی با وفور منابع طبیعی پرداخته‌اند و توزیع مناسب منافع حاصل از منابع را در رشد فقرزدا موثر دانسته اند. در کنار اینها، برخی بررسی‌ها نیز با تمرکز بر شرایط ایران و نظام مالی آن، اثرات سیستم بانکی و تسهیلات را بر فقر بررسی کرده‌اند. در این زمینه نصیرخانی، و همکاران (۱۳۹۷) تاثیر نهادهای اسلامی انفاق و قرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران را بررسی کرده و این دو نهاد را بر کاهش فقر موثر یافته‌اند. موسایی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی نقش بازار مالی در ایجاد و خروج از رکودتورمی با تاکید بر بانکداری اسلامی این چارچوب را بر افزایش رشد و منافع رفاهی ان موثر دانسته‌اند. مهرگان و خوش اخلاق (۱۳۹۵) نیز اثرتسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها) ارزیابی کرده و تسهیلات قرض‌الحسنه را عامل کاهش نابرابری یافته‌اند.

۲. مبانی نظری

کاهش فقر به عنوان یکی از اهداف اساسی توسعه پایدار، به‌ویژه در کشورهای اسلامی منتخب، مستلزم شناسایی دقیق عوامل اقتصادی و نهادی مؤثر بر آن است. در این میان، توسعه مالی و تسهیلات پرداختی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی به شمار می‌روند که می‌توانند از طریق ایجاد فرصت‌های اقتصادی و بهبود دسترسی اقشار کم‌درآمد به منابع مالی، به کاهش فقر کمک کنند. با این حال، ادبیات نظری نشان می‌دهد که اثر این متغیرها بر فقر خطی نبوده و ماهیتی غیرخطی و آستانه‌ای دارد؛ به این معنا که تنها پس از رسیدن توسعه مالی و تسهیلات پرداختی به سطحی مشخص، آثار مثبت و پایدار آن‌ها بر کاهش فقر نمایان می‌شود. از منظر نظری، توسعه مالی به فرآیند ایجاد و تقویت زیرساخت‌ها و نهادهای مالی با هدف ارائه خدمات مالی متنوع، کارآمد و در دسترس برای تمامی اقشار جامعه اطلاق می‌شود. نظریه‌های کلاسیک و نوین رشد اقتصادی، توسعه مالی را عاملی مؤثر در افزایش پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع می‌دانند که در نهایت به رشد اقتصادی و کاهش فقر منجر می‌شود. رویکردهای جدیدتر نیز بر کیفیت، تنوع و فراگیری خدمات مالی تأکید دارند و توسعه مالی را فراتر از افزایش صرف حجم اعتبارات تحلیل می‌کنند. تسهیلات پرداختی به‌عنوان یکی از اجزای اصلی توسعه مالی، شامل انواع اعتبارات اعطایی به خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی است و نقش مهمی در ارتقای سرمایه‌گذاری‌های مولد و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر دارد. با این حال، نظریه‌های آستانه‌ای نشان می‌دهند که اثرگذاری این تسهیلات به سطح توسعه مالی، ساختار نظام مالی و شرایط نهادی وابسته است. در سطوح پایین توسعه مالی، اعتبارات محدود ممکن است به تخصیص ناکارآمد منابع یا بدهی‌های غیرمولد منجر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

شود، در حالی که پس از عبور از یک حد آستانه، تسهیلات می‌توانند نقش مؤثری در کاهش فقر ایفا کنند. از این رو، شناسایی این آستانه‌ها برای سیاست‌گذاری مالی اهمیت ویژه‌ای دارد. در این چارچوب، کیفیت حاکمیت به‌عنوان عامل تسهیل‌کننده توسعه مالی کارآمد، نقش اساسی ایفا می‌کند. حاکمیت شامل ساختارهای نهادی، قانونی، شفاف و پاسخگو است که بر نحوه تخصیص تسهیلات، کنترل فساد، مدیریت ریسک اعتباری و اعتماد عمومی اثر می‌گذارد. دیدگاه‌های نهادگرایی نوین نشان می‌دهند که حاکمیت مطلوب با کاهش هزینه‌های تراکنش و بهبود فضای سرمایه‌گذاری، می‌تواند آستانه اثرگذاری توسعه مالی بر کاهش فقر را کاهش داده و کارایی تسهیلات پرداختی را افزایش دهد. مطالعات تجربی نیز مؤید آن است که کیفیت حاکمیت نقش میانجی در رابطه میان توسعه مالی و کاهش فقر دارد؛ به‌گونه‌ای که در کشورهایی با حاکمیت قوی، تسهیلات پرداختی به‌صورت هدفمندتر به اقشار آسیب‌پذیر تخصیص یافته و منجر به اشتغال‌زایی و افزایش درآمد می‌شود، در حالی که در کشورهایی با حاکمیت ضعیف، ناکارآمدی نهادی مانع تحقق این آثار مثبت می‌گردد. این موضوع در کشورهای اسلامی منتخب، با توجه به ویژگی‌هایی نظیر اقتصاد غیررسمی گسترده و نقش نهادهای مالی اسلامی، اهمیت دوچندان می‌یابد. در مجموع، چارچوب نظری این پژوهش بر سه محور استوار است: نظریه‌های توسعه مالی که بر نقش خدمات مالی در رشد و کاهش فقر تأکید دارند؛ نظریه‌های آستانه‌ای که ماهیت غیرخطی این روابط را تبیین می‌کنند؛ و نظریه‌های حاکمیت و نهادگرایی که کیفیت نهادی را شرط لازم برای اثربخشی توسعه مالی می‌دانند. تلفیق این رویکردها، چارچوبی منسجم برای تحلیل اثر توسعه مالی و تسهیلات پرداختی بر کاهش فقر با تأکید بر نقش حاکمیت در کشورهای اسلامی منتخب فراهم می‌سازد.

۳. روش شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از داده‌ها تجربی می‌باشد. دوره زمانی تحقیق، سالهای ۱۹۹٦ تا ۲۰۲۳ و در کشورهای منتخب اسلامی می باشد. در این پژوهش مطالعه بر روی نمونه‌ای از کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (ICO) شامل؛ عربستان، ایران، نیجریه، قطر، مصر، ترکیه، مالزی، مراکش، اردون، عمان، بحرین و امارات است. هدف این مطالعه با پیروی از مطالعات کروفه و همکاران۱ (۲۰۲۳)، اوفوری۲ و همکاران (۲۰۲۲)، سیلوا و همکاران۳ (۲۰۲۰)، آکیف دستک و همکاران٤ (۲۰۲۰) و کاوایا و شیجین٥ (۲۰۱۹) اثرات آستانه ای تسهیلات بانکی و توسعه مالی بر کاهش فقر در کشورهای اسلامی منتخب؛ با تاکید بر پیامدهای حاکمیت است. با توجه به این‌که متغیر وابسته شاخص فقر (شکاف فقر) و متغیرهای توضیحی؛ تولید ناخالص داخلی سرانه، تسهیلات دریافتی، توسعه مالی، سطح تحصیلات، تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سطح فن‌آوری، کنترل فساد و کیفیت مقررات است، شکل عمومی مدل PSTR، به‌صورت زیر می‌باشد:

1 Mohamed Ali Chroufa et al (2023)
2 Ofori et al (2022)
3 Selva et al, 2020 (2020)
4 Mehmet Akif Destek, Avik Sinha & Samuel Asumadu Sarkodie (2020)
5 Kavya and Shijin, 2019 (2019)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

(۱)

$$POV_{it} = \alpha_0 + \beta_1 Facilities_{it} + \beta_2 FD_{it} + \beta_3 CC_{it} + \beta_4 QR_{it} + \beta_5 INF_{it} + \beta_6 HC_{it} + \beta_7 ICT_{it} + \beta_8 FDI_{it} + \beta_9 GDPc_{it}(\theta_1 Facilities_{it} + \theta_2 FD_{it} + \theta_3 CC_{it} + \theta_4 QR_{it} + \theta_5 INF_{it} + \theta_6 HC_{it} + \theta_7 ICT_{it} + \theta_8 FDI_{it} + \theta_9 GDPc_{it}) F(S_t, \gamma, c) + u_t$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(\gamma, s_t, c) = (1 + FD\{-\gamma(s_t - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0$$

به منظور بررسی ویژگی‌های مدل STR با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل ون‌دیک[1] (۱۹۹۹)، فرض می‌شود متغیر وابسته تنها تابعی از مقادیر وقفه‌دار خودش باشد. در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید:

$$POV_t = \left(\theta_0 + \theta_1 POV_{t-1} + \cdots \theta_p POV_{t-p}\right) + \left(\phi_0 + \phi_1 POV_{t-1} + \cdots \phi_p POV_{t-p}\right) G(FD_t, \gamma, c) + u_t$$

$$G(FD_t, \gamma, c) = \frac{1}{1 + \exp\{-\gamma(FD_t - c)\}}$$

نتایج این مدل یک مدل LSTR دو رژیمی نامیده می‌شود که پارامتر مکان C نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی $G(FD_T, \Gamma, C) = 0$ و $G(FD_T, \Gamma, C) = 1$ را نشان می‌دهد که $G(FD_T, \gamma, c) = 0.5$ است. γ نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و مقادیر بیش‌تر γ بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است. بازه زمانی مطالعه حاضر، داده‌های سالانه از ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۳ بوده و داده‌ها از سایت بانک جهانی استخراج شده است.

(POV) شاخص شکاف فقر به عنوان متغیر وابسته (به صورت میانگین فاصله افرادی که کمتر از ۳ دلار در روز درآمد دارند) (شکاف فقر ۳/۱۰ دلار در روز *(PPP 2011)* میانگین کسری درآمد یا مصرف از خط فقر ۳/۱۰ دلار در روز است که به عنوان درصد خط فقر بیان می‌شود. این معیار عمق فقر و همچنین بروز آن را منعکس می‌کند)[2]. $FACILITIES_T$ بیانگر تسهیلات پرداختی بانک‌ها، FD_T بیانگر اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی به GDP به عنوان شاخص توسعه مالی، CC_T کنترل فساد؛ در رتبه‌بندی کشورها بر اساس معیار کنترل فساد از صدک رتبه (PERCENTILE RANK) که معیاری ما بین ۰ تا ۱۰۰ می‌باشد که هر چقدر رتبه کشورها به سمت ۱۰۰ نزدیک‌تر شود، نشان از بهبود شاخص کنترل فساد می‌باشد، استفاده می‌شود. QR_T بیانگر کیفیت مقررات؛ در رتبه‌بندی کشورها بر اساس معیار کیفیت مقررات از صدک رتبه (PERCENTILE RANK) که معیاری ما بین 0 تا 100 می‌باشد که هرچقدر رتبه کشورها به سمت 100 نزدیک‌تر شود، نشان از بهبود شاخص کیفیت مقررات

1 Van Dijk (1999)

2 Poverty gap at $3.10 a day (2011 PPP) is the mean shortfall in income or consumption from the poverty line $3.10 a day (counting the no poor as having zero shortfall), expressed as a percentage of the poverty line. This measure reflects the depth of poverty as well as its incidence. As a result of revisions in PPP exchange rates, poverty rates for individual countries cannot be compared with poverty rates reported in earlier editions.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

می‌باشد، استفاده می‌شود. INF: نرخ تورم، HC: سطح تحصیلات، ICT: شاخص توسعه فن آوری نوین: نشان‌دهنده شاخص توسعه فن‌آوری نوین است. این شاخص توسط اتحادیه جهانی مخابرات منتشر شده است و شامل سه مؤلفه اصلی دسترسی، استفاده و مهارت می‌باشد. رتبه بندی این شاخص بر اساس امتیاز صفر تا ده می‌باشد. امتیاز بالاتر به معنی بالا بودن درجه توسعه‌یافتگی ICT و امتیاز پایین‌تر به معنی پایین بودن درجه توسعه‌یافتگی ICT کشورها می باشد، FDI: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. GDPC: رشد تولید ناخالص داخلی سرانه (به قیمت ثابت ۲۰۱۵).

۴. تجزیه و تحلیل و یافته های پژوهش

در ابتدا و قبل از انجام آزمون هم انباشتگي پانلی جهت تعیین رابطه بلندمدت بین شاخص‌های اصلی مطالعه آزمون ریشه واحد لوین لین چو (LLC)، صورت می پذیرد.

جدول ۱: نتايج آزمون ريشه واحد براي متغيرها

علامت اختصاری	کشورهای منتخب		سطح پایایی
	LLC W-stat		
	آماره محاسبه شده	سطح احتمال	
CC	-2.19740	0.0140	I(0)
FACILITY	-4.95252	0.0000	I(0)
FD	-3.05878	0.0011	I(0)
FDI	-2.36711	0.0090	I(0)
GDPC	-17.6855	0.0000	I(0)
HC	-5.34999	0.0000	I(0)
ICT	-2.63069	0.0043	I(0)
INF	-2.74739	0.0030	I(0)
POV	-6.43572	0.0000	I(0)
QR	-4.99899	0.0000	I(0)

منبع: یافته های پژوهش

نتایج جدول ۱ و بررسی مقادیر آماره‌هاي محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها نشان مي‌دهد که همه متغیّرهای تحقیق در سطح پایا می‌باشند.

۱-٤. آزمون همگرایی و تشخیصی

آزمون همگرایی پانل کائو

اغلب تئوري‌هاي اقتصادي رابطه بلندمدت بين متغيرها را به شكل سطح (LEVEL FORM) بيان مي‌كنند. براي اطمينان از وجود يك رابطه بلندمدت ميان متغيرهاي موجود در مدل لازم است كه آن متغيرهاي پايا بوده و در غير اين صورت (ناپايا بودن) از درجه انباشتگي يكساني برخوردار باشند. بدين ترتيب براي پي بردن به وجود يك رابطه بلند مدت ميان متغيرها بايد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

پایایی و یا هم انباشتگي آنها را با استفاده از آزمون‌هاي مختلف بررسي نماييم. براين اساس اگر تشخيص دهيم باقيمانده‌هاي حاصل از رگرسيون‌هاي برآورده شده به صورت I(0) يا ساكن باشند مي‌توانيم از وجود يك رابطه بلند مدت ميان متغيرها اطمينان حاصل نماييم. در مطالعه حاضر برای اطمینان از وجود رابطه تعادلی بلند مدت از آزمون هم انباشتگی پانل کائو استفاده شده است.

جدول ۲: نتايج آزمون هم انباشتگي كائو

KAO TEST		
	آماره آزمون	احتمال متناظر
ADF	-7.756027	0.0000

منبع: یافته های پژوهش

همانطور که در جدول فوق نشان داده شده است با انجام آزمون هم انباشتگي پانلي بين متغيرهاي تخمين زده شده وجود رابطه بين متغيرها در رگرسيون برآوردشده در کشورهای منتخب تأئيد مي شود. در آزمون هم انباشتگی فرضیه های آزمون به صورت زیر تعریف می شود:

Hصفر: عدم هم انباشتگی

Hیک: تایید هم انباشتگی میان متغیرها

با توجه به پایین بودن سطح معنی داری از ۰,۰۵، فرض صفر مبني بر نبودن رابطة هم انباشتگی میان متغیرها قابل رد است و متغیرها در بلندمدت هم انباشته بوده و رابطه بلند مدت بین آنها وجود دارد.

آزمون تشخیصی مدل بهینه

برای تعیین نوع مدل بهینه مورد استفاده در داده های تلفیقی از آزمونهای مختلفی استفاده می شود. رایج‌ترین آنها آزمون چاو(CHOW)[1]برای استفاده از مدل پانل دیتا در مقابل مدل برآوردی داده‌های ترکیب شده است.

آزمون معنی داری اثرات ثابت(F)[2]:

اگر رگرسیون خطی پانل به صورت زیر باشد:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \cdots + \beta_k Z_{kit} + e_{it}$$

که در آن : Y_{it} ارزش متغیر وابسته برای واحد iام در دوره tام، X_{jit} ارزش متغیر توضیحی j ام برای واحد iام در دوره tام می باشد. اختلاف بین مقاطع در α_iنشان داده می شود و در طول زمان ثابت فرض می شود. اگر فرض صفر بر این باشد که α_i برای تمام کشورها ثابت است، روش OLS تخمین های کارا و سازگاری از α و β بدست خواهد داد. ولی اگر فرض براین باشد که در بین مقاطع مختلف اختلاف وجود دارد، از روش Panel Data برای تخمین استفاده می شود. برای انجام آزمون فروض H_0 و H_1 بصورت زیر بیان می شود:

H_0: عرض از مبدا تمام مقاطع یکسان است

1.Chow Test
2. Fixed Effects Test

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

H_1: حداقل یک مقطع عرض از مبدا متفاوت دارد

برای تعیین وجود(عدم وجود) عرض از مبدا جداگانه برای هر یک از مقاطع از آماره‌یF به صورت زیر استفاده می شود. این آزمون، یک آزمون چاو ساده[1] می باشد.

$$F_{\circ} = \frac{(RRSS - URSS)/(N - ۱)}{URSS}$$

در رابطه فوق، UR مشخص کننده مدل غیر مقید و علامت R نشان دهنده مدل مقید با یک عبارت ثابت برای کلیه گروهها می باشد. K تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، n تعداد مقاطع و t بیانگر دوره زمانی می باشند. اگر F محاسبه شده از F جدول با درجه ی آزادی ۱- N و K- N(T-۱) بزرگتر باشد؛ آنگاه فرضیه صفر رد می شود و لذا رگرسیون مقید دارای اعتبار نمی باشد و باید عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. سوال اساسی دیگری که پیش می آید این است که آیا تفاوت در عرض از مبدأها به طور ثابت عمل می کند یا اینکه عملکرد های متفاوت می توانند این اختلاف بین واحدها را به طور واضح تری بیان کنند. (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۸۹، ۱۰۳) نتایج حاصل از آزمون لیمر در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون انتخاب نوع مدل

نوع آزمون	نتیجه آزمون			انتخاب مدل
	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال محاسباتی	
آزمون لیمر	16.298486	(11,315)	0.0000	پانل دیتا
	151.380190	11	0.0000	

منبع: یافته های پژوهش

با توجه به جدول فوق و کمتر بودن احتمال محاسباتی از ۰/۰۵ می توان بیان داشت فرضیه صفر مبنی بر تخمین مدل با استفاده از روش پولینگ دیتا رد و نوع مدل تحقیق از نوع پانل دیتا انتخاب می شود.

۲-٤. آزمون خطی‌بودن، انتخاب متغیر انتقال و نوع مدل

برای بررسی وجود رابطه خطی یا غیرخطی بین متغیرهای مدل باید بررسی شود که آیا (m تعداد پارامترهای رژیم) یک است یا خیر. لازم به ذکر است که در آزمون‌های ذیل فرض بر آن است که مدل خطی است و فرض مقابل نیز مدل PSTR لجستیک ($m=1$) یا مدل PSTR نمایی ($m=2$) خواهد بود. نتایج آزمون تشخیص در جدول (٥) نشان می‌دهد که خطی‌بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیرخطی تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر؛ آستانه توسعه مالی با تاکید بر پیامدهای حاکمیت در کشورهای منتخب وجود دارد و قاعدتاً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش PSTR استفاده شود.

1 Chow Test

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	آماره F	سطح معنی‌داری
آزمون والد	۳/۷۸۵	۰/۰۰۰
آزمون فیشر	۲/۶۳۸	۰/۰۰۱
آزمون LRT	۲/۹۵۷	۰/۰۱۲

منبع: یافته های پژوهش

همانگونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۴) نیز مشهود است، فرضیه خطی بودن رابطه بین متغیرها مردود است، بنابراین احتمال وجود رابطه خطی بین متغیرها نفی می‌گردد. همچنین لازم به ذکر است که مدل (PSTR) پیشنهادی توسط متغیر انتقال انتخاب شده به‌عنوان مدل بهینه جهت برآورد مدل در کشورهای منتخب انتخاب می‌شود. برای این منظور به پیروی از گونزالز و همکاران (۲۰۰۵) و کولیتاز و هارولین (۲۰۰۶) فرضیه صفر وجود الگوی PSTR با یک تابع انتقال در مقابل فرضیه وجود الگوی PSTR با حداقل دو تابع انتقال مورد آزمون قرارگرفته که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که فرضیه صفر مبنی بر کفایت لحاظ نمودن یک تابع انتقال در هر دو حالت وجود یک و دو حد آستانه‌ای رد نشده است؛ بنابراین یک تابع انتقال قادر به تصریح اثر تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر؛ آستانه توسعه مالی با تاکید بر پیامدهای حاکمیت است.

جدول ۵: آزمون وجود رابطه غیرخطی باقیمانده

حالت وجود دو حد آستانه M=2			حالت وجود یک حد آستانه M=1		
کشورهای منتخب					
LR	LM_f	LMw	LR	LM_f	LMw
۱/۲۹۷ (۰/۸۰۲)	۱/۳۶۲ (۰/۷۵۱)	۱/۴۲۵ (۰/۶۷۵)	۱/۴۳۲ (۰/۶۵۴)	۱/۴۷۱ (۰/۶۳۰)	۱/۳۵۲ (۰/۷۴۳)
H_0: r=1, H_1: r=2					

منبع: یافته های پژوهش

با تأیید وجود رابطه غیرخطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. برای این منظور مدل PSTR متناظر با هر یک از این حالت‌ها برآورد خواهد شد و از میان آنها بر اساس معیارهای مجموع مجذور باقی‌مانده‌ها، شوارتز و آکائیک مدل PSTR با لحاظ یک حد آستانه‌ای مدل بهینه است؛ لذا یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد.
باتوجه به تأیید مدل غیرخطی در ادامه به تحلیل نتایج بخش غیرخطی مدل پرداخته می‌شود. مطابق با نتیجه تخمین مدل در قسمت غیرخطی ضریب متغیرهای تسهیلات پرداختی و شاخص توسعه مالی به ترتیب برابرند با ۰,۱۱- و ۰,۹۷- می باشند که نشان از تاثیر معکوس این متغیرها بر شاخص فقر دارند و احتمالات محاسباتی برای این ضرایب به ترتیب عبارتند از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

۰,۰۴۹۱ و ۰,۰۰۰۸ که نشان از تاثیر معنادار این متغیرها بر شاخص فقر در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارد. همچنین بر اساس نتایج تخمین مدل می توان اظهار داشت مطابق با مبانی نظری تورم اثر این متغیر بر شاخص فقر مثبت و معنادار می باشد به طوریکه ضریب متغیر نرخ تورم برابر با ۰,۲۳ می باشد و احتمال متناظر با ان برابر با ۰,۰۰۵۳ می باشد که نشان از تاثیر معنادار این متغیر بر شاخص فقر در کشورهای منتخب دارد. همچنین متغیرهای کنترل فساد و کیفیت مقررات به عنوان پیامدهای حاکمیتی بر شاخص فقر اثر معنادار و منفی دارد.

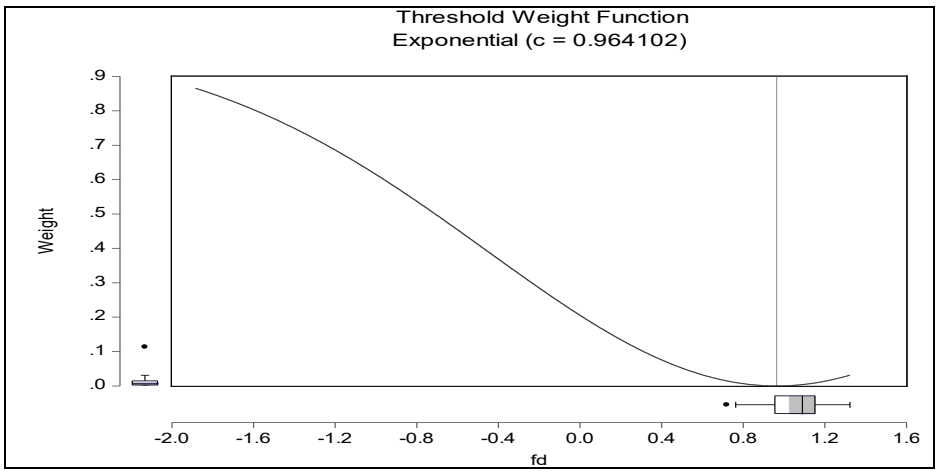
جدول ۶: برآورد الگو به‌وسیله مدل PSTR

مدل فقر (شکاف فقر)				
برآورد قسمت خطی مدل				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال
CONSTANT	0.329059	0.136048	2.418698	0.0234
FACILITY	-0.158886	0.075984	-2.091051	0.0419
FD	-0.582868	0.239013	2.43864	0.0149
CC	-0.096233	0.026454	-3.637702	0.0003
QR	-0.496421	0.175702	-2.825358	0.0069
INF	0.212527	0.090308	2.353357	0.0356
HC	-0.393667	0.142781	-2.757139	0.0201
ICT	-0.642607	0.230948	-2.782475	0.0200
FDI	-0.016559	0.007091	2.33521	0.0355
GDPC	-0.433451	0.159418	-2.718959	0.0218
برآورد قسمت غیر خطی مدل				
CONSTANT	0.016839	0.006021	2.796881	0.0049
FACILITY	-0.110132	0.055542	-1.982849	0.0491
FD	-0.979800	0.289830	-3.380603	0.0008
CC	0.12070	0.060604	-1.991677	0.0487
QR	-۰,۱۹۷۸۸۵	۰,۰۸۵۱٤٦	-۲,۳۲٤۰۵۸	۰,۰۲۰۱
INF	0.235516	0.085117	2.762255	0.0053
HC	-۰,۰۵۳۷۵۲	۰,۰۲۲٤۲۵	۲,۳۹٦۹۳	۰,۰۱٦۵
ICT	-0.204690	0.089165	-2.295631	0.0300
FDI	-۰,۰۲۲۷۱۷	۰,۰۱۰۲۹۸	-۲,۲۰۵۹٦۸	۰,۰۲۷٤
GDPC	-0.014838	0.006607	-2.245690	0.0378
(C)حد آستانه‌ای	۰,۹٦٤۱۰۲	۰,۱۵۸٦۲۳	٦/۰۷۷٤۹۵	۰,۰۰۰۰
(γ)پارامتر شیب	٦,٦۷۵۳۲۵	۲,۹۳٤٦۲۲	۲,۲۷٤٦۷۸	۰,۰۲۸٤
ضریب تعدیل‌شده ۰,۸۵ = (R^2)				

منبع: یافته های پژوهش

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

مقایسه ضرایب در دو رژیم مختلف بر اساس متغیر انتقال و مقادیر آن صورت می‌پذیرد و مقدار متغیر انتقال می‌تواند تابع انتقال و در نتیجه رژیم حاکم را تعیین نماید. در تخمین فوق متغیر انتقال توسعه مالی می‌باشد که مقدار حد آستانه برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۹۶ درصد برای کشورهای منتخب بوده است. بر اساس فاصله توسعه مالی از این مقدار آستانه الگو از دو رژیم حدی مختلف تبعیت می‌نماید. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور توسعه مالی از حد آستانه (۰/۹٦) (انتقال از بخش خطی به غیرخطی) واکنش شاخص فقر به تغییرات این متغیر به شدت افزایش یافته، بدین ترتیب که هر چه وضعیت تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بهبود یابد، شکاف فقر با عکس‌العمل بیشتر به آن اثر می پذیرد.



نمودار ۱: ارتباط بین تابع انتقال و متغیر انتقال

منبع: یافته های پژوهش

۳-٤. آزمون‌های خود همبستگی

در مطالعه حاضر از آزمون دوربین واتسون برای بررسی خود همبستگی استفاده می‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون خودهمبستگی

	آمارهٔ F	Prob	دوربین واتسون
کشورهای منتخب	۱/۲۳۵	۰/۶۹	۲/۲۳۶

منبع: یافته های پژوهش

همان‌طور که در جدول فوق مشهود است، نتایج آزمون خودهمبستگی دوربین واتسون نشان می‌دهد، بین اجزای اخلال همبستگی وجود ندارد، بنابراین فرض سوم استاندارد کلاسیک مبنی بر عدم خودهمبستگی بین جملات خطا نقض نمی‌گردد. از این رو تخمین‌زننده‌ها از ویژگی‌های لازم (حداقل واریانس و کارایی) برخوردارند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

یکی دیگر از فروض استاندارد کلاسیک فرض واریانس همسانی است، در مطالعه حاضر از آزمون بروش - پاگان - گادفری استفاده می‌شود.

جدول ۸: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

	آمارة F	Prob	بروش - پاگان - گادفری
کشورهای منتخب	۱/۲۹۸	۰/۵۵۶	۱/۳۲۷

منبع: یافته های پژوهش

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، نتایج آزمون حکایت از عدم وجود ناهمسانی واریانس دارند.

آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم

از دیگر سنجه‌های مناسب برای ارزیابی کیفیت مدل تخمین زده شده، بررسی تغییرات ضرایب بین دو رژیم است. در صورتی که مدل برآورد شده تخمین مناسبی باشد، انتظار می‌رود ضرایب با تغییر رژیم ثابت و بدون تغییر باقی بمانند.

جدول ۹: نتایج آزمون ثبات پارامتر انتقال هموار

	فرض صفر	Fآمارة	Prob
کشورهای منتخب	b1=b2=b3=b4=0	۰/۷۴۵	۰/۷۵۴
	b1=b2=b3=0	۰/۷۹۸	۰/۷۱۲
	b1=b2=0	۰/۸۲۱	۰/۶۹۵
	b1=0	۰/۸۳۶	۰/۶۷۴

منبع: یافته های پژوهش

همان‌طور که در جدول نیز مشهود است، آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم نشان می‌دهد ضرایب در اثر تغییر رژیم تغییر نمی‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثرات آستانه‌ای تسهیلات پرداختی و توسعه مالی بر کاهش فقر انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که نقش نظام مالی در بهبود وضعیت اقتصادی اقشار کم‌درآمد تنها به افزایش دسترسی به منابع مالی محدود نمی‌شود، بلکه عبور از سطحی مشخص از توسعه مالی و حجم تسهیلات پرداختی شرط لازم برای تحقق آثار معنادار در کاهش فقر است. در سطوح پایین توسعه مالی، تسهیلات بانکی به دلیل ضعف زیرساخت‌های نهادی، هزینه‌های بالای مبادله، محدودیت‌های اعتباری و تخصیص نامناسب، اثرگذاری محدودی بر فقر دارد و در برخی موارد حتی می‌تواند به نفع گروه‌های برخوردارتر هدایت شود. در مقابل، پس از عبور از آستانه تعیین‌شده، تسهیلات پرداختی میتواند با ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد و تقویت توان اقتصادی خانوارهای کم‌درآمد، روند فقرزدایی را به‌طور محسوسی تسریع کند. یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که توسعه مالی و تسهیلات بانکی به‌صورت مکمل عمل می‌کنند

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

و اثرگذاری هر یک بدون تقویت دیگری محدود خواهد بود. توسعه مالی از طریق گسترش دسترسی به خدمات مالی، بهبود تنوع و کیفیت ابزارهای مالی و افزایش کارایی نظام اعتباری، زمینه استفاده مؤثرتر از تسهیلات بانکی را فراهم می‌سازد. در مقابل، اعطای تسهیلات بدون وجود زیرساخت‌های مالی کارآمد، نمی‌تواند به کاهش پایدار فقر منجر شود. از این‌رو، تنها اجرای هم‌زمان و هماهنگ سیاست‌های اعتباری و توسعه‌ای است که می‌تواند موجب عبور از آستانه بهره‌مندی اقتصادی و تحقق آثار ملموس فقرزدایی گردد. در غیر این صورت، توزیع ناکارآمد منابع مالی می‌تواند حتی به تثبیت یا تشدید فقر بینجامد. نتایج پژوهش بر نقش کلیدی کیفیت حکمرانی در تقویت اثرات توسعه مالی و تسهیلات پرداختی تأکید دارد. بهبود شاخص‌هایی نظیر کنترل فساد و کیفیت مقررات، با کاهش انحراف منابع، افزایش شفافیت و تقویت اعتماد به نهادهای مالی، زمینه استفاده بهینه از تسهیلات بانکی را فراهم می‌کند. شواهد نشان می‌دهد که در سطوح بالاتر حکمرانی مطلوب، آستانه اثرگذاری توسعه مالی بر کاهش فقر کاهش یافته و شدت این اثر افزایش می‌یابد. بنابراین، اصلاحات نهادی و تقویت سازوکارهای نظارتی می‌تواند به‌عنوان مکمل سیاست‌های مالی و اعتباری عمل کند. افزون بر این، متغیرهای کلان اقتصادی از جمله نرخ تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تولید ناخالص داخلی سرانه نقش مهمی در کاهش فقر ایفا می‌کنند. کنترل تورم، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ارتقای رشد اقتصادی می‌تواند اثرگذاری تسهیلات بانکی را تقویت نماید. همچنین، نتایج بر اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه فناوری‌های نوین تأکید دارد، چراکه این عوامل با افزایش بهره‌وری نیروی کار و ایجاد فرصت‌های درآمدی پایدار، زمینه فقرزدایی بلندمدت را فراهم می‌سازند. در نهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که برای کاهش پایدار فقر، سیاست‌گذاران باید رویکردی یکپارچه اتخاذ کنند که در آن توسعه نظام مالی جامع، اعطای تسهیلات هدفمند به اقشار کم‌درآمد، بهبود کیفیت حکمرانی و تقویت عوامل مکمل اقتصادی به‌صورت هم‌زمان دنبال شود. افزایش هماهنگی میان بانک‌ها، نهادهای دولتی و سازمان‌های نظارتی می‌تواند اثربخشی سیاست‌های کاهش فقر را افزایش داده و امکان بهره‌برداری حداکثری از اثرات آستانه‌ای توسعه مالی و تسهیلات پرداختی را فراهم سازد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

منابع

۱. اسدی، مهدی، و قادری، حسین (۱۴۰۲). رابطه توسعه مالی و توزیع درآمد در کشورهای اسلامی منتخب.مجله مطالعات اقتصادی، ۳۰(۴)، ۱۵۰-۱۷۳.

۲. اصل محمدیان قابل، بهزاد، متفکرآزاد، محمدعلی، آقاجانی، و حبیب، خیراللهی زکی، هادی (۱۴۰۳) بررسی و مقایسه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی با وفور منابع طبیعی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص .۳۶۱-۳۸۸.

۳. بیگی، هواس، سایه میری، فاطمه، علی، و مریدیان، علی (۱۴۰۳). بررسی وجود رابطة نامتقارن بین توسعة مالی و منابع طبیعی در اقتصاد ایران نشریه محیط زیست طبیعی، ۷۵(۴)، ۶۱۲-۶۰۰ .

۴. جعفری، مهدی، عمادی، سید جواد، و رمضان پور، اسماعیل (۱۴۰۰). بررسی تأثیر همزمان سیاست‌های پولی و مالی بر فقر در ایران. اقتصاد کاربردی، ۱۱(۳۶(بهار ۱۴۰۰))، ۵۱-۳۹.

۵. حسینی، فاطمه، و نیکنام، سارا (۱۴۰۳). تحلیل اثرات سیاست‌های مالی بر فقرزدایی در کشورهای با اقتصاد نفتی. فصلنامه سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۱)، ۴۵-۶۸.

۶. سعید، سردار عمر، قادری، سامان، مظفری، زانا، امانی، رامین (۱۴۰۳)، حکمرانی مطلوب و نرخ بیکاری در ایران. فصلنامه مجلس و اقتصاد، سال دوم، شماره ۱.

۷. صبوری، امیر، ربیعی، مهناز، زندی، فاطمه، و شکوری، بهرام (۱۴۰۲) تأثیر سیاست پولی بهینه بر نقدینگی و فقر. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامي. ۱۲ (۴۲): ۳۸۷-۴۰۵

۸. موسایی، میثم، خانی‌قریه‌گپی، نوشین، و افضلی ابرقویی، وجیهه (۱۳۹۷) نقش بازار مالی در ایجاد و خروج از رکودتورمی با تاکید بر بانکداری اسلامی، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۱۱۵۰۱۳۰.

۹. مولانا، سید مسیح، نجفی زاده، عباس، سرلک، احمد، و حاجی، غلامعلی (۱۳۹۹)، بررسی اثرات توسعه مالی بر فقر نسبی در مناطق شهری ایران؛ شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم، فصلنامه علمی پژوهشنامه اقتصادی، سال بیستم، شماره ۷۷، صص ۱۶۲-۱۲۹.

۱۰. مهرگان، نادر، و خوش اخلاق، مهدی (۱۳۹۵) اثرتسهیلات قرض الحسنه بر توزیع درآمد در ایران (با استفاده از شاخص سهم نسبی درآمدی دهک‌ها)، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۶، ۹۳-۱۱۹.

۱۱. نصیرخانی، پرویز، عزتی، مرتضی، و نظام‌پرست، رضوانه (۱۳۹۷) تاثیر نهادهای اسلامی انفاق و قرض‌الحسنه بر کاهش فقر در ایران، اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۲۲۱-۲۳۶.

12. Ahmadzadeh, K. Manochehri, S. Amani, R. & Samadipour, S. (2022). Climate Change, Trade and Income Inequality: A Quantile Panel Regression Approach. Journal of Economics and Modelling, 13(1), 57-92. doi: 10.29252/jem.2022.227221.1755 (In Persian).

13. Ali Khoshniat, Mohammad Zarei 2023. The functions of development banks in poverty alleviation in economically disadvantaged areas of I.R.I. Bi-quarterly Journal of “Religion, Management & Governance”, Research Article, Vol 2, No 1 (Serial 3), Summer & Autumn 2023, pp. 52-69.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]

14. Ali, S. Yusop, Z. Kaliappan, S. R. Chin, L. & Meo, M. S. (2022). Impact of trade openness, human capital, public expenditure and institutional performance on unemployment: evidence from OIC countries. International Journal of Manpower, 43(5), 1108-1125.
15. Azamat, Ostonokulov, Sattoriy Fayzullokh, and Abdullayeva Nilufar. 2023. "The Impact of Entrepreneurship on Poverty Reduction." International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev., 8(3): 9
16. Bayar AA (2023) The impact of financial development on income inequality and poverty. PLoS ONE 18(10): e0291651. https://doi.org/ 10.1371 /journal.pone.0291651
17. Bolarinwa Segun Thompson, Olummide Olusegun Olaoye, Wajahat Ullah, and Babatunde Agbi. 2022. "Does Financial Development Really Matter for Poverty Reduction in Africa?", Forum for Social Economics, 51(4): 415-432, DOI: 10.1080/07360932.2021.1896564.
18. Chisadza C. and Biyase M. (2023). Financial Development and Income Inequality: Evidence from Advanced, Emerging and Developing Economies. Annals of Financial Economics. 18 (1), 2241002.
19. Cook, C. J. Howard, S. J. Cuartas, J. Makaula, H. Merkley, R. Mshudulu, M. ... & Draper, C. E. (2022). Child exposure to violence and self-regulation in South African preschool-age children from low-income settings. Child Abuse & Neglect, 134, 105944.
20. Fu, Y., & Liu, L. (2023). On the accessibility of financial services and income inequality: an international perspective. Technological and Economic Development of Economy, 29(3), 814–845.
21. Li, Kaodui, Easmond Baah Nketia, Yusheng Kong and Michael Appiah. 2023. "An Introspective Analysis of Inclusive Growth in Africa, With an Eminence on the Influence of Governance and Financial Development Interaction", Sage Open, 13(2). https://doi.org/10.1177/21582440231166341.
22. Manta, A. G., Badareu, G., Florea, I. A., Staicu, A. L., & Lepădat, C. V. M. (2023). How Much Financial Development Accentuates Income Inequality in Central and Eastern European Countries? Sustainability, 15(18), 13942.
23. Rajput, S. M., Javaid, M. N., & Junaid, A. (2023). Financial Development and Income Inequality: A U-shaped Relationship. Asian Journal of Applied Economics, 30(2), 38–53.
24. Sikhawal, S. (2024). The non-linear impact of financial development on income inequality: evidence from dynamic panel threshold model. Journal of Economic Studies, 51(3), 667–691.
25. Wu, H. (2025). The Impact of Financial Development on Income Inequality in BRICS Nations- ADID Panel Data Analysis. Advances in Economics, Management and Political Sciences, 159.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-07]